

درس هشتم



پیراهنِ بهیستی



حضرت فاطمه (س) پیراهن ساده‌ای به تن داشت. پدر، برای ازدواج او با حضرت علی (ع) یک پیراهن نو، به خانه آورد. حضرت فاطمه (س) به آن نگاه کرد. پارچه‌ی نرم و لطیفی داشت. آن را کنار گذاشت تا چند لحظه بعد پوشد.

در این هنگام صدای در به گوش رسید. حضرت فاطمه (س) فرمود: «چه کسی در می‌زند؟» کسی با صدای ضعیفی گفت: «من زنی فقیرم، لباسی ندارم که به تن کنم.»

حضرت فاطمه (س) در را باز کرد. زن فقیر گفت: «از خانه‌ی رسول خدا یک لباس کهنه

می‌خواهم تا به تن کنم.»

دل حضرت فاطمه (س) به درد آمد. نگاهش نخست به پیراهن نو و بعد به پیراهن ساده‌ای که پوشیده بود، افتاد. فکر کرد کدام یک را بدهد. پیراهن نو برای عروسی اش بود. یاد کلام خداوند در قرآن افتاد که می‌فرماید: «هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید مگر چیزی را که دوست دارید به نیازمندان بخشید.» حضرت فاطمه (س)، فوری پیراهن نو را برداشت، به طرفِ در رفت و با مهربانی آن را به زن داد. چشم‌های زن فقیر، برق زد. صورتش را به طرف آسمان گرفت و دعا کرد. بعد با خوش حالی زیاد از آنجا رفت.

وقتی خبر به حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) رسید، آن‌ها از کار حضرت فاطمه (س)، خوش حال شدند.

طولی نگذشت که جبرئیل، فرشته‌ی بزرگ خدا، به خانگی حضرت محمد (ص) آمد. خانه،

بوی بهشت گرفت. او پیراهن سبز و زیبایی جلوی حضرت گذاشت و گفت: «ای رسول خدا! خداوند به تو سلام رساند و به من فرمان داد که به حضرت فاطمه (س) سلام برسانم و این لباس سبز بهشتی را برای او بیاورم.»

وقتی نگاه حضرت فاطمه (س) به لباس سبز بهشتی افتاد، اشک هایش جاری شد. عطر بهشتی پیراهن خیلی زود همه را به اتاق حضرت فاطمه (س) کشاند.



دین درست و نادرست

- ۱ زمانی که جبرئیل به خانه‌ی رسول خدا آمد، خانه بوی بهشت گرفت. ✓
- ۲ جبرئیل برای مراسم عروسی حضرت فاطمه (س)، یک پیراهن هدیه آورد. ✓

درک مطلب

- ۱ چرا زمانی که خبر بخشیدن پیراهن عروسی به حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) رسید، خوش حال شدند؟ چون حضرت فاطمه (س) با این کار به زن فقیر کمک کرد.
- ۲ آیا تاکنون چیزی را که خیلی دوست داشته‌ای، به دیگران بخشیده‌ای؟
- ۳ زن فقیر چه چیزی می‌خواست؟